

اصلاح چند خطا در متون ادبی، جغرافیایی و تاریخی مربوط به منطقه بلخ

چکیده

در کتابهای تاریخی و جغرافیایی و ادبی، به فراوانی از نام مکانهای قدیمی و تاریخی یاد می شود، ولی به دلیل از بین رفتن آن آبادیها و مکانها و به دلیل تحول و تغییر نامها، گاهی مؤلفان، مصححان و مترجمان این آثار، دچار لغزشهایی می شوند. در این مقاله برای چند نمونه از این نوع خطاها که مربوط به نامهای جغرافیایی آبادیهای ولایت بلخ قدیم است و در کتابهای *سفرنامه ناصر خسرو*، *تاریخ بیهقی*، *نزهت القلوب*، *مسالک و ممالک اصطخری*، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، *احسن التقاسیم* و *قانون مسعودی* راه یافته، توضیحاتی آمده و اصلاحاتی پیشنهاد شده است. این نامها عبارت است از *سدره* / *سه دره*، *کلان* / *سمنگان*، *طالقان* / *طایقان*، *مدر* / *مادر*، *سیاهگرد* / *شاوگرد*، *رباط میله* / *مئله*.
کلیدواژه‌ها: *سدره*، *سه دره*، *سمنگان*، *کلان*، *طالقان*، *طایقان*، *مدر*، *مادر*، *سیاهگرد*، *شاوگرد*، *بلخ*.

مقدمه

گذر زمان و رویدادهای روزگار باعث تغییر و تحولاتی در جوامع بشری می شود که یکی از آنها خرابی شهرهای قدیمی، تأسیس آبادیهای جدید و تغییر جاها و نامهای تاریخی است و همین تغییرات گاهی ما را در هنگام مطالعه کتب تاریخی و ادبی در تعیین و تصور جای دقیق بعضی از این مکانها دچار تردید یا خطا می کند، یا گاهی نام آنها به غلط به صورت دیگری ضبط شده است. ما در این مقاله با مراجعه به اسناد و کتب ادبی و تاریخی و مشاهدات محلی کوشیده ایم چند نمونه از این خطاها را که در کتب تاریخی، جغرافیایی و ادبی راه یافته است، نشان دهیم و اصلاحاتی را برای آنها به شرح ذیل پیشنهاد کنیم تا گامی هر چند کوچک در تصحیح کتب ادبی و تاریخی و پیراستن آنها از خطاهایی که در آنها راه یافته است برداشته باشیم.

۱. سدره/سه دره

سدره، نام رباط و منزلگاهی در مسیر راه مرورود به شبرغان و بلخ بوده است. نام این مکان در بیشتر کتب مانند المسالك و الممالک (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۴۰) و تاریخ طبری (طبری، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۱۷۰/۴) و/حسن التفاضل (مقدسی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۲۶۷) سدره ضبط شده است. سدره در فاصله دوازده فرسخی، یعنی حدود ۷۲ کیلومتری بلخ (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۴۰؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۷۰)، یا به روایتی دیگر در فاصله یک مرحله و نیمی از آن، یعنی حدود ۵۴ کیلومتری بلخ (مقدسی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۲۶۷) واقع بوده است و بنا به اشاره ناصر خسرو منزلگاهی مهم در شاهراه مرورود به بلخ محسوب می شده (ناصر خسرو، ۱۳۵۶: ۱۲۳) و با شبورقان/شبرغان نیز شش فرسخ، یعنی حدود ۳۶ کیلومتر فاصله داشته است (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۴۰). امروز تنها مکان مهمی که بین شبرغان و بلخ واقع است و با مشخصات مذکور سازگاری کامل دارد، شهر «آقچه» در ۷۶ کیلومتری با بلخ و ۳۵ کیلومتری شبرغان است؛ یعنی درست در همان جایی قرار دارد که «سدره» قدیم واقع بوده است.

نکته قابل توجه درباره این مکان، ضبط غلط آن در سفرنامه ناصر خسرو (تصحیح دبیرسیاقی) است که به صورت «سه دره» ضبط شده است (ناصر خسرو، ۱۳۵۶: ۱۷۲). توضیح آنکه اگرچه امروز درحوالی جنوب شرقی بلخ در شهرستان شولگره مکانی به نام سه دره وجود دارد (آدامک^۱، ۱۹۷۹: ۵۲۲/۴)، ولی مشخصات سه دره‌ای که در سفرنامه آمده با آن مطابق نیست، بلکه مطابق مشخصات همان مکانی است که املائی آن در سایر کتب نیز به صورت سدره ضبط شده و در غرب بلخ واقع بوده است نه در جنوب شرقی آن. از آن گذشته، از جمله نامهایی که در اطراف بلخ واقع بوده‌اند مانند دره صوف و دره گز و بهاردره و سه دره، همه به جاهایی اطلاق شده‌اند که در مکانهای مرتفع یا در درون دره‌ها قرار داشته‌اند، حال آنکه سدره و اطراف آن (آقچه جدید) از هموارترین مناطق جنوب آمودریاست. از اغلاط دیگری که در ذکر نام این شهر روی داده است چگونگی ضبط املائی آن در کتاب نزهت القلوب تصحیح گای لسترنج (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۷۹) است که اگرچه تلفظ آن درست است، کاتب املائی آن را با صاد (سدره) نوشته که خطاست و باید تصحیح شود و همانند سایر کتابها با سین (سدره) درج گردد.

1. Adamec L.

۲. سمنگان / کلان

در نسخه چاپی *سفرنامه ناصر خسرو*، تصحیح دبیرسیاقی، در ضمن شرح مسیر راه میان پاریاب و مرورود دوبار نام سمنگان آمده است، در حالی که در هیچ دوره ای شهر یا منطقه ای به نام سمنگان در این فاصله وجود نداشته است. برای توضیح بیشتر یادآور می شود که در خراسان قدیم چند موضع به نام سمنگان خوانده می شده است: یکی منطقه ای خوش آب وهوا بین *سفرابین* و *استوا* که بیهقی در شرح گفتگوی سران سپاه سلطان مسعود برای فرستادن لشکر بر سر ترکمانان سلجوقی در نسا، از این منطقه یاد می کند (بیهقی، تصحیح فیاض، ۱۳۵۶: ۶۱۴). یاقوت حموی هنگام فرار از حمله مغول در سال ۶۱۷ هجری، در شمال خراسان به این منطقه که نام آن را *سمنقان* نوشته است، رسیده و نام قصبه (مرکز) آن را نیز *سملقان* ضبط کرده است (یاقوت، ۱۴۱۰: ۲۸۷/۳). *سمنقان* در زمان ایلخانان مغول با همین تلفظ شهرت داشت (خواجه رشیدالدین، ۱۹۴۰: ۳۶ و ۳۷). اعتمادالسلطنه، می نویسد که بلوک سمنگان در غرب بجنورد واقع است و آن را *سملقان* نیز می نویسند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۷۲). *فرهنگ آبادیها*، از روستایی به نام *سمنگام* (احتمالاً همان سمنگان/سمنقان است) در حوالی قوچان یاد کرده است (پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۳۱۸). به نوشته سعید نفیسی سمنگان دیگری نیز در شهرستان *باخزر* (تایباد) وجود دارد (بیهقی، تصحیح نفیسی، ۱۳۲۶: ۱۱۰/۲) و این همان سمنگان است که *فرهنگ آبادیها* محل آن را در نزدیکی مشهد تعیین کرده است (پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۳۱۸). هیچ کدام از این نقاط در خراسان قدیم شهر بزرگی محسوب نمی شده‌اند.

اما سومین مکان به این نام، شهر *سمنگان* است که بیهقی ضمن شرح سفر سلطان مسعود از بلخ به سمت بغلان در شرق بلخ، از آن یاد کرده است (بیهقی، ۱۳۵۶: ۳۱۹). سعید نفیسی در تعلیقات خود بر تاریخ بیهقی توضیح داده است که *سمنگان* مذکور در *شاهنامه* همین *سمنگان* واقع در شرق بلخ است (بیهقی، ۱۳۲۶: ۱۰۹۶-۱۱۰۲) که اکنون نیز موجود و مرکز استان سمنگان در شرق بلخ است. این شهر برکنار دره رودخانه خلم در دامنه شمالی کوههای هندوکش، در مختصات ۶۸ درجه و ۵ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. فاصله آن با کابل، پایتخت افغانستان، ۳۱۳ کیلومتر و با مزار شریف، مرکز استان بلخ، ۱۲۲ کیلومتر است.

جغرافیانگاران مسلمان همچون مقدسی (۱۴۰۸ هـ.ق: ۲۵۳)، ابن حوقل (۱۳۴۵: ۱۸۱)، جیهانی (۱۳۶۸: ۱۷۱)، یعقوبی (۱۴۰۸ هـ.ق: ۵۶)، یاقوت (۱۴۱۰ هـ.ق: ۲۸۶/۳) و مستوفی (۱۳۶۲: ۲ و ۱۹۱). *سمنگان* را از جمله شهرهای تخارستان نوشته و تخارستان را از نواحی بلخ محسوب داشته‌اند. طی قرنهای سوم و

چهارم هجری، وسعت سمنگان با خلم برابر و فاصله آن با خلم، دو روز راه و با بلخ از طریق خلم چهارروز راه و با بغلان چهارمیزان بوده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۱ و ۱۷۴؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۸۹ و ۱۹۰). ابن خردادبه میزان خراج سمنگان را که در زمان او به دولت طاهریان تأدیه می‌شد، ۱۲ هزار و ۶۰۰ درهم نوشته است. در همین زمان (قرن سوم) خراج شهر خلم، ۱۲ هزار و ۳۰۰ درهم و خراج شهر بلخ، ۱۹۳ هزار و ۳۰۰ درهم بوده است (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۴۳). سمنگان، همیشه در مسیر شاهراه کابل به بلخ (مسیر اصلی بین دو طرف جبال هندوکش) قرار داشته و به همین دلیل در طول تاریخ سمنگان را در موقعیت یک منزلگاه مهم و استراتژیک می‌بینیم (نظام‌الدین شامی، ۱۳۶۳: ۲۱۰؛ لی، ۱۹۹۶: ۳۵؛ خوافی، ۱۳۸۱: ۸۹ و ۹۰). راه آسفالتی فعلی کابل - مزارشریف هم تقریباً از همین مسیر و از سمنگان و خلم عبور می‌کند (غبار، ۱۳۷۵: ج ۱، ضمایم: نقشه راههای افغانستان).

در شاهنامه نیز داستان سهراب در سمنگان شکل می‌گیرد و آن وقتی است که رستم برای شکار به نخجیرگاهی در نزدیکی مرز توران می‌رود (فردوسی، ۱۹۶۳: ۱۷۰ و ۱۷۱). جغرافی‌دانان قرنهای سوم و چهارم سمنگان را به وفور صید و شکار وصف کرده‌اند (مقدسی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۳۳۹) و همین حالا هم یکی از شهرستان (ولسوالی)های استان سمنگان، پیروزنخچیر نام دارد که از شکارگاههای مشهور و قدیمی است (سالنامه افغانستان، ۱۳۸۲: ۱۴۱۷). بدنیست در اینجا به این نکته هم اشاره شود که هم اکنون در نزدیکی سمنگان روستایی وجود دارد به نام ظُهرابی که مردم این منطقه معتقدند سهراب پسر رستم در همین شهر از ته‌مینه به دنیا آمده و نام این قریه هم ابتدا سهراب یا سهرابی بوده و بعدها به ظُهرابی (یا زورابی) تبدیل شده است (قاموس، ۱۳۳۶: ۴۶۳/۲).

نکته مهم و قابل توجه در اینجا آن است که شهرت شهرسمنگان باعث شده است که مصحح محترم *سفرنامه ناصر خسرو*، در صفحات ۳ و ۱۷۳ این کتاب، به جای سنگلان و کلان - که در تمام نسخه‌ها به همین شکل آمده بوده است - بنابه حدس و گمان سمنگان را جایگزین کند و در پاورقی هم اشاره نماید که این تصحیح ایشان تصحیح قیاسی است (ناصر خسرو، ۱۳۵۶: ۳ و ۱۷۳). در صفحات یاد شده، ناصر خسرو در مسیر سفر خود از شهرهای پاریاب، سنگلان/کلان (در متن چاپی، سمنگان)، طالقان و سپس مرورود یاد می‌کند (همان: ص ۳). همچنین در بازگشت از سفر هفت ساله، در مسیر خود از گوزگانان به سمت بلخ، شهرهای پاریاب، سنگلان/کلان (در متن چاپی، سمنگان)، رباط سدره، دستگرد و سپس بلخ را نام می‌برد (همان: ص ۱۷۳). تمام اماکن نام برده شده در این مسیر در غرب بلخ قرار

داشته‌اند و چنانکه شرح دادیم هیچ یک از سه مکانی که به نام سمنگان در خراسان قدیم وجود داشتند، در این محدوده واقع نبوده‌اند و شهر سمنگان مشهور هم، در شرق بلخ قرار داشته نه در این محل. بنابراین، در این قسمت از متن به جای سمنگان، یکی از صورتهای سنگلان یا کلان را که در نسخه بدلها آمده‌اند، می‌توان قرارداد که البته «کلان» صحیح‌تر است، زیرا بنا بر متن معجم البلدان (یاقوت، ۱۴۱۰ هـ.ق: ۲/۱۱۲) و صوره الارض (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۷)، «کلان یا کلار»، یکی از شهرهای ولایت گوزگانان بوده است که مؤلف حدود العالم نیز سرسبزی و آبادانی آن را ستوده و به باغهای آن اشاره کرده است (حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۰۹). همچنین در کتاب احسن التقاسیم از شهر «کلان» نام برده شده و محل آن بین فاریاب و شبورقان نشان داده شده است (مقدسی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۲۳۷). خوب است به این نکته نیز اشاره شود که امروز در مسیر بین کلفت (در استان جوزجان، شمال افغانستان) و میمنه (مرکز استان فاریاب)، گردنه‌ای در ارتفاع ۱۳۰۰ متری به نام گردنه کلان وجود دارد (آدامک، ۱۹۷۹: ۲۹۷). احتمال می‌رود این گردنه - که در فاصله ۱۴ کیلومتری شمال میمنه (یهودیه قدیم) واقع است - نام خود را از همان منطقه تاریخی کلان گرفته باشد؛ بخصوص که موقعیت این گردنه با مسیر سفر ناصر خسرو نیز منطبق است. نکته مهم دیگر اینکه مصحح محترم مرتکب اشتباه دیگری نیز شده و در تعلیقات کتاب، جایگاه سمنگان را بین فاریاب و سدره نشان داده است (ناصر خسرو، ۱۳۵۶: ۲۴۸ و ۲۴۹) که پیش از این درباره آن توضیح دادیم.

۳. طالقان/طایقان

در خراسان قدیم دو شهر به نام طالقان وجود داشت: یکی طالقان (طایقان، طارکان) تخارستان، واقع در شرق بلخ و حوالی بدخشان که امروز هم به نام طالقان (تالقان) موجود و مرکز استان تخار در شمال شرقی افغانستان است (ابن فقیه، ۱۸۸۵ م: ۳۲۱؛ حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۱۵؛ منهج سراج، ۱۳۶۳: ج ۱/۱۵۳ و ۱۶۹؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۷؛ لسترنج، ۱۳۷۳: ۴۵۵؛ گروتس باخ، ۱۳۶۸: ۱۰۸). دیگری طالقان گوزگانان (جوزجان) در جنوب غربی بلخ که در فتنه مغول یا کمی بعد از آن از بین رفته است (لسترنج، ۱۳۷۳: ۴۴۹؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۳؛ ابن فقیه، ۱۸۸۵: ۳۲۱). در کتب قدیمی یا تصحیحات جدید آنها، این دو شهر بارها با یکدیگر اشتباه شده‌اند.

طالقان مشهور (طالقان گوزگانان)، میان مرورود و بلخ قرار داشته و از شهرهای مهم ولایت گوزگانان محسوب می‌شده است (حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۰۷). کتب جغرافیا، محل این شهر را در ۲۴ فرسخی مرورود (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۳۲) و نیز به فاصله ۳ مرحله از مرورود (یاقوت، ۱۴۱۰ هـ.ق: ج ۴، ص ۷؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۴) نشان داده‌اند. یعقوبی فاصله سرخس تا طالقان و نیز طالقان تا فاریاب را به یک اندازه، ۴ مرحله، نوشته است (یعقوبی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۵۵). یعقوبی می‌گوید طالقان در میان دو کوه بزرگ جای داشت (همان: ص ۵۴). قدامه بن جعفر هم نوشته‌است که راه طالقان از یک دره می‌گذشت (قدامه، ۱۸۸۹: ۲۱۰). در نقشه‌های مربوط به قرن ۱۹ م. از راههای این منطقه، و اطلاعات سیاحانی مانند وامبری (وامبری، ۱۳۶۵: ۳۲۹) در شرق رودخانه مرغاب به نامهای چندی بر می‌خوریم که دارای نشانه‌هایی از طالقان قدیم هستند: چیچکتو در جنوب استان فاریاب فعلی، قلعه ولی و غورماچ در شمال استان بادغیس.

بارتولد غورماچ و قلعه ولی را جانشینان طالقان محسوب کرده‌است (بارتولد، ۱۳۵۸: ۷۵) و لسترنج چیچکتو را به محل طالقان قدیم نزدیکتر می‌داند (لسترنج، ۱۳۷۳: ۴۴۹). این مناطق هرسه در کوهپایه واقع شده‌اند اما چیچکتو به توصیف یعقوبی و نیز قدامه نزدیکتر است (قاموس، ۱۳۳۶: ۹۱/۲). حافظ ابرو به وجود یک غار در نزدیکی طالقان اشاره کرده است که داستانی شبیه به غار اصحاب کهف برای آن نقل می‌شده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۴۷)؛ این محل که اکنون به زیارتگاه اصحاب کهف مشهور است، در چیچکتو قرار دارد (قاموس، ۱۳۳۶: ۹۱/۲). بنابر آنچه ذکر شد، می‌توان محل طالقان را در چیچکتوی فعلی نشان داد.

اشتباهاتی که درباره طالقان در کتب مختلف دیده می‌شود به این قرار است: در کتاب مسالک و ممالک اصطخری، تصحیح ایرج افشار، در ص ۲۲۴ جایی که مؤلف به شرح مسافتهای بین نقاط واقع در محدوده گوزگانان و اطراف طالقان و فاریاب پرداخته است، به جای طالقان، طایقان ضبط شده است که درست نیست، زیرا طالقان واقع در تخارستان، در کتب تاریخی به شکل طارکان و طایقان نیز ضبط شده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۷؛ لسترنج، ۱۳۷۳: ۴۵۵؛ حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۱۵)، اما طالقان واقع در گوزگانان در تمام کتب، همواره طالقان نوشته شده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۳؛ حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۰۷). همچنین در کتاب معجم البلدان، مؤلف توضیحات مربوط به طالقان تخارستان و طالقان گوزگانان را مخلوط کرده و در ذیل یک مدخل آورده (یاقوت، ۱۴۱۰ هـ.ق: ۷/۴) و مصحح (فرید عبدالله جندی) هم متوجه آن نشده است. دکتر فیاض مصحح تاریخ بیهقی نیز طالقان گوزگانان را با طالقان تخارستان اشتباه کرده است (بیهقی، ۱۳۸۳: ۵۳۵). دبیرسیاقی، مصحح سفرنامه ناصر خسرو نیز در تعلیقات خود در ص ۲۵۶، طالقان جوزجان را با طالقان تخارستان یکی پنداشته و توضیحات مربوط به هر دو شهر را با یکدیگر

مخلوط کرده و یکجا آورده است (ناصر خسرو، ۱۳۵۶: ۲۵۶). در کتاب *جغرافیای تاریخی بلخ و جیحون* نیز طالقان گوزگانان و طالقان تخارستان یکی پنداشته شده و توضیحات مربوط به این دوشهر باهم مخلوط شده است (مفتاح، ۱۳۷۶: ۳۶۴-۳۶۷). از آن گذشته مؤلف این کتاب، به غلط، طالقان (طارکان، طایقان) تخارستان را با «راون» که شهر دیگری در تخارستان بوده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۸۱؛ مقدسی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۲۳۵؛ بیرونی، ۱۳۷۴ هـ.ق: ۵۷۲/۲؛ بیهقی، ۱۳۵۶: ۴۲۹) یکی پنداشته و ذیل عنوان «راون» آورده است (مفتاح، ۱۳۷۶: ۳۴۶). خوب است اصلاح همه این موارد در چاپهای بعدی مورد توجه قرار گیرد.

۴. مدر/ مادر؟

در کتاب *تذکره جغرافیای تاریخی ایران* تألیف بارتوله، ترجمه حمزه سردادور، در ضمن شرح مسیر راه باخت (بلخ) به سوی بامیان و کابل و نهایتاً هند، نام شهری به نام «مادر» آمده است (بارتولد، ۱۳۵۸: ۵۷). این نام در منابع دیگر دیده نمی شود، اما شهری به نام «مدر/مادر» در آن حدود بوده است که در تمام کتب جغرافیایی مانند *مسالک و ممالک* (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۶) و *احسن التقاسیم* (مقدسی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۲۳۵) و *صوره الارض* (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۸۱)، جزء شهرهای تخارستان علیا، در ولایت بامیان و در کنار شهر «که/کاه» ذکر گردیده است. شهر فعلی «کهمرد»، در استان بامیان (جنوب بلخ و شمال بامیان) که در منطقه کوهستانی مرکز افغانستان قرار دارد، جانشین هر دو شهر «که/کاه» و «مدر» است (یمین، ۱۳۸۰: ۷۶). کهمرد از دو جزء «که» و «مرد» تشکیل شده است. که/کاه، چنانکه گفته شد، نام شهری در نزدیکی شهر مدر بوده (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۶) و «مرد» نیز همان «مدر» است که به تدریج، برای آسانتر شدن تلفظ، جای «ر» و «د» در آن تبدیل شده است (یمین، ۱۳۸۰: ۷۶). اما حمزه سردادور، مترجم کتاب، به دلیل ناآشنا بودن با این نام و با توجه به خط روسی (و دیگر خطوط اروپایی) که در آن بین فتحه و الف تمایزی وجود ندارد، «فتحه» را به غلط «الف» پنداشته و مدر (به سکون د و ر) را به صورت «مادر» نوشته است که ممکن است به اشتباه (به فتح دال) خوانده شود و مهمتر از آن، خواننده در تشخیص جای درست این شهر اشتباه کند. گفتنی است در حوالی خوارزم نیز یک شهر و یک نهر به نام «مدر» وجود داشته است (سیدی، ۱۳۸۳: ذیل مدر و مدری).

۵. سیاهگرد / شاو کرد

سیاهگرد، روستایی در پنج فرسخی شمال شرقی بلخ و اولین منزل در راه بلخ به سمت جیحون (آمودریا) و شهر ترمذ بوده است (بیهقی، ۱۳۵۶: ۳۰۱ و ۳۱۳؛ شرف الدین علی یزدی، ۱۹۷۲: ۹۳۲). در قدیم آب رودخانه بلخاب، در سمت شمال شرق بلخ، تا این روستا می رسید و گویا این آخرین منطقه ای بوده که توسط نهرهای بلخاب آبیاری می شده است (بارتولد، ۱۳۵۸: ۶۸). از قرن یازدهم هجری قمری بدین سو، یکی از نهرهای هژده گانه ای که از بلخاب منشعب می شوند، نهر سیاهگرد نام دارد (محمد مؤمن، ۱۳۵۷: ۱۰۱ و ۱۰۳؛ قاموس، ۱۳۳۵: ج ۲۶۶، ۱). این نهر بالاتر از پل امام بکری از بلخاب جدا می شود و در انتهای مسیر خود به قریه سیاهگرد می رسد. بعد از قریه سیاهگرد ریگزار و بیابان شروع می شود که تا آمودریا ادامه دارد.

نام سیاهگرد در کتاب / احسن التقاسیم، تألیف مقدسی البشاری، شاوکرد نوشته شده است (مقدسی، ۱۴۰۸ هـ.ق: ۲۶۷). این اشتباه در اثر نآشنایی با تاریخ و جغرافیای این محل روی داده و ناشی از اشتباه کاتبان قدیمی یا مصحح کتاب، محمد مخزوم است. به هر حال نام اصلی و رایج این محل سیاهگرد است که باید در چاپهای بعدی احسن التقاسیم مورد توجه قرار گیرد.

۶. رباط میله / مثله

در ص ۵۷۲ از جلد دوم متن عربی کتاب قانون مسعودی تألیف ابوریحان بیرونی (تصحیح گروهی از مصححان هندی) از موضعی در نزدیکی ترمذ و قبادیان، به نام مثله یاد شده است (بیرونی، ۱۳۷۴ هـ.ق: ۵۷۲/۲). احتمال می رود این محل، همان «میله / رباط میله» باشد که در تاریخ گردیزی (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۴۵) نیز آمده است. فرخی سیستانی نیز در قصیده ای به مطلع:

چه روز افزون و عالی دولتست این دولت سلطان

که روز افزون بروگشتست ملک و ملت و ایمان

که در وصف پیروزی سلطان محمود غزنوی بر ایلک خان سروده است می گوید:

به جنگ مرو و جنگ بلخ و جنگ میله زان لشکر

به خاک اندر فکندستی فزون از قطره باران

حبیبی در تعلیقات خود بر تاریخ گردیزی، محل رباط میله را در شرق ترمذ، جایی در نزدیکی

شیرخان بندر (استان قندوز، شمال افغانستان) تعیین کرده است (همانجا).

در تاریخ بیهقی نام میله ذکر شده است. در شرح چگونگی کشته شدن بکتگین حاجب آمده است که ترکمانان از ترمذ به سمت اندخود و میله گریختند و به شبرغان رفتند (بیهقی، ۱۳۵۶: ۵۶۶). ضبط میله در این قسمت از متن تاریخ بیهقی، نادرست است، زیرا چنانکه گفته شد بنابر آثار بیرونی و گردیزی، میله/رباط میله جایی در شرق ترمذ بوده است حال آنکه اندخود (واقع در شمال استان فاریاب فعلی) و شبرغان (مرکز استان جوزجان کنونی)، هردو با فاصله زیادی در جانب غرب ترمذ قرار داشتند و تاکنون به همان نام باقی مانده اند (قاموس، ۱۳۳۵: ۱۶۲ و ۱۳۳۸: ۱۵). نفیسی با استناد به شعری از لامعی گرگانی در وصف سلطان سنجر که در آن از موضعی به نام منشله سخن رفته است و با توجه به نسخه بدل‌هایی که در اختیار داشته، به جای میله «منشله» را ترجیح داده و در متن ضبط کرده است (بیهقی، تصحیح نفیسی، ۱۳۱۹: ۵۳۴). تأیید این رای استاد نفیسی مشکل است، زیرا در منابع دیگر نامی از چنین مکانی دیده نمی‌شود. همچنین در تاریخ بیهقی چاپ ایرانمهر، اگرچه ضبط مختار متن، میله است، اما در پاورقی احتمال داده است که میمنه یا میمند نیز درست باشد (بیهقی، ۱۳۵۰: ۴۹۵). این هم یک احتمال است اما بعید می‌نماید، زیرا میمنه، مرکز استان فاریاب کنونی، فاصله زیادی با شبرغان و اندخوی دارد (دولت آبادی، ۱۳۸۲: ۱۹۸-۲۰۳). نسخه بدل‌هایی که برای این کلمه در پاورقی چاپ نفیسی و چاپ دانشگاه فردوسی ارائه شده است کلماتی شبیه سیله، مسیله، وسیله هستند که اگر بنا را بر قیاس بگذاریم، ضبط «سدره» (آقچه کنونی) در این مکان بر کلماتی که تاکنون پیشنهاد شده رجحان دارد. سدره در نزدیکی شبرغان واقع بوده است (که در آغاز توضیح داده شد) و می‌توان احتمال داد که خط کاتبان، سدره را به تدریج به «سیله» تبدیل کرده باشد.

کتابنامه

۱. ابن حوقل؛ *صورة الارض*؛ ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
۲. ابن خرداذبه، ابی القاسم عبیدالله بن عبدالله؛ *المسالك والممالك*؛ مقدمه محمد مخزوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۳. ابن فقیه؛ *کتاب البلدان*؛ تصحیح گوژ (Goeje)، لیدن، بریل، ۱۳۰۲ ق/ ۱۸۸۵ م.
۴. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد؛ *مسالك وممالك*؛ ترجمه فارسی قرن ۵ یا ۶ از مترجم ناشناس، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۵. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان؛ *مرآت البلدان* (جلد ۴)؛ به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران ۸-۱۳۶۷.
۶. بارتولد، واسیلی ولادیمیریویچ؛ *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*؛ ترجمه حمزه سردادور، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس ۱۳۵۸.
۷. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد؛ *القانون المسعودی*؛ تصحیح گروه مصححین، جلد دوم، حیدرآباد: مطبعه مجلس دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۷۴ هـ.ق.
۸. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین؛ *تاریخ بیهقی*؛ تصحیح سعید نفیسی، تهران: جلد اول، کتابفروشی ادب، ۱۳۱۹، جلد دوم، دانشگاه تهران، ۱۳۲۶، جلد سوم، کتابخانه سنائی، ۱۳۳۲.
۹. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین؛ *تاریخ بیهقی*؛ تصحیح علی اکبر فیاض، به کوشش عبدالحسین احسانی، تهران: ایرانمهر، ۱۳۵۰.
۱۰. _____؛ *تاریخ بیهقی*؛ تصحیح علی اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۶.
۱۱. پاپلی یزدی، محمد حسین؛ *فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور*؛ مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۷.
۱۲. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد جیهانی؛ *اشکال العالم*؛ ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، به کوشش فیروز منصوری، مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸ ش.
۱۳. حافظ ابرو؛ *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو*؛ تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰.
۱۴. *حدود العالم*؛ مقدمه بارتولد، تعلیقات مینورسکی، ترجمه میرحسین شاه، به کوشش غلامرضا ورهرام و مریم میراحمدی، تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. خواجه رشیدالدین فضل الله؛ *تاریخ مبارک غازانی*؛ تصحیح کارل یان، لندن: بنیاد گیپ، ۱۹۴۰ م.
۱۶. خوافی، یعقوب علی؛ *پادشاهان متأخر افغانستان*؛ به کوشش محمد سرور مولایی، تهران: نشر عرفان، ۱۳۸۱.
۱۷. دولت آبادی، بصیر احمد؛ *شناسنامه افغانستان*؛ چاپ دوم، تهران: نشر عرفان، ۱۳۸۲.
۱۸. *سالنامه افغانستان*؛ وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، کابل: ۱۳۸۲.

۱۹. سیدی، مهدی؛ فرهنگ جغرافیای تاریخی ترکمنستان؛ مشهد: انتشارات الهدی، ۱۳۸۳.
۲۰. شرف‌الدین علی یزدی؛ *ظفر نامه*؛ تنظیم عصام‌الدین اورونبایوف، تاشکند: انتشارات فن، ۱۹۷۰م.
۲۱. طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ الطبری* (اخبار الامم والملوک)؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ هـ ق.
۲۲. غبار، میر غلام محمد؛ *افغانستان در مسیر تاریخ*؛ قم: صحافی احسانی، ۱۳۷۵.
۲۳. فردوسی، حکیم ابوالقاسم؛ *شاهنامه*؛ مسکو: ج ۲، زیر نظر ابرتلس، آکادمی علوم اتحاد شوروی، ۱۹۶۳.
۲۴. *قاموس جغرافیای افغانستان*؛ به اهتمام حکیم ناهض، کابل: انجمن دایره‌المعارف آریانا، ج اول ۱۳۳۵ ش - ج دوم ۱۳۳۶ - ج سوم ۱۳۳۸ - ج چهارم ۱۳۳۹ ش.
۲۵. قدامه بن جعفر؛ *نبدمن کتاب الخراج و صنعہ الکتابه*؛ تحقیق دخویه، لیدن: مطبعه بریل، ۱۸۸۹.
۲۶. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک؛ *تاریخ گردیزی*؛ تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۲۷. گروتس‌باخ، اروین؛ *جغرافیای شهری در افغانستان*؛ ترجمه محسن محسنیان، معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۶۸.
۲۸. لسترنج، گای؛ *جغرافیای تاریخی خلافت شرقی*؛ ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۲۹. محمد مؤمن بن شیخ عوض باقی بلخی؛ *جریده بلخ*؛ تصحیح و تحشیه رضا مایل هروی، کابل: موسسه بیهقی (به ضمیمه بخشی از بحرالاسرار تألیف محمود بن امیر ولی بلخی)، ۱۳۵۷.
۳۰. مستوفی قزوینی، حمدالله؛ *نزهت القلوب*؛ تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
۳۱. مفتاح، الهامه؛ *جغرافیای تاریخی بلخ و جیحون و مضافات بلخ*؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶.
۳۲. المقدسی البشاری، محمد بن احمد؛ *احسن التقسیم*؛ مقدمه محمد مخزوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ ق.
۳۳. منهاج سراج جوزجانی، ابو عمر عثمان بن محمد؛ *طبقات ناصری*؛ تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۳۴. ناصر خسرو قبادیانی بلخی؛ *سفرنامه*؛ تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۵۶.
۳۵. نظام‌الدین شامی؛ *ظفرنامه تیموری*؛ به کوشش پناهی سمنانی، تهران: انتشارات بامداد، ۱۳۶۳ ش.
۳۶. وامبری، آرمینیوس؛ *سیاحت درویشی دروغین*؛ ترجمه فتحعلی خواجه‌نوریان، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۳۷. یاقوت حموی، شهاب‌الدین بن عبدالله؛ *معجم البلدان*؛ تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ ق.
۳۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب واضح کاتب؛ *البلدان*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ ق.

٣٩. یمین، محمدحسین؛ *افغانستان تاریخی*؛ انتشارات کتاب، [بی جا]: ١٣٨٠ ش.

40. Adamec L. w., *A historical and political gazetteer of Afghanistan* ,V.4:Mazar-I-Sharif, Gratz,Austrian1979
41. Lee J.L., *The ancient supremacy-bukhara, Afghanistan and the battle for balkh 1731-1901*, Leiden: E.J. Brill 1996

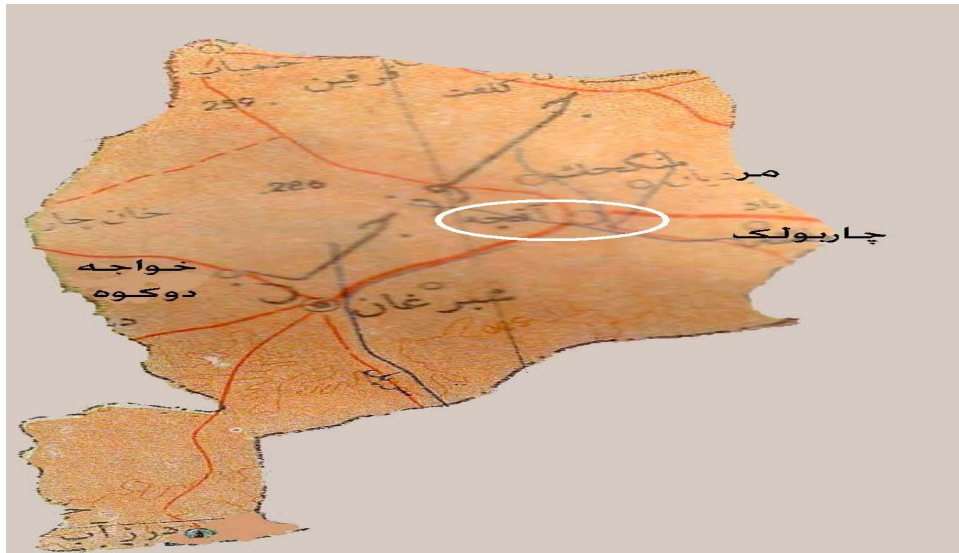
ضمیمه



نقشه شماره ۱. موقعیت استان بلخ در کشور افغانستان



نقشه شماره ۲. بزرگنمایی شده قسمتی از نقشه قبلی (استان بلخ و استانهای همجوار)



نقشه شماره ۳. موقعیت شهر آقچه (سدره قدیم) در استان جوزجان



نقشه شماره ۴. موقعیت شهر اندخود در استان فاریاب



نقشه شماره ۵. موقعیت استان سمنگان و مرکز آن شهر سمنگان (ایبک)